

مقدمه

اندکی تأمل در فعالیت‌های سازمانی نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری جزء جدایی‌ناپذیر و عنصر حیاتی سازمان است؛ زیرا از یک سو مدیریت به‌عنوان مهم‌ترین بخش هر سازمان می‌باشد که نقشی حیاتی در موفقیت آن دارد، و از سوی دیگر، برخی اندیشمندان مدیریت، «مدیریت را مترادف با تصمیم‌گیری می‌دانند» (رضاییان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴). حتی *دانیل* گریفیت معتقد است: «تصمیم‌گیری قلب مدیریت است و تمام کارکردهای مدیریت را می‌توان بر حسب فرایند تصمیم‌گیری توضیح داد» (تسلیمی، ۱۳۷۸، ص ۳). از سوی دیگر، مدیریت که یکی از شاخه‌های علوم انسانی می‌باشد، بدون حیات در بستر فرهنگ و جامعه معنا پیدا نمی‌کند. به‌عبارت دیگر، یک نظریه مدیریتی زنده و پویا، صرفاً در قالب یک فرهنگ و برای یک جامعه و محیط مشخص یافت می‌شود. رابطه بین فرهنگ، مدیریت و جامعه نظیر رابطه ماهی، آب و اکسیژن است؛ زیرا هنگامی حرکت ماهی زیبا و معنادار می‌باشد که در بستر آب شنا کرده و از اکسیژن موجود در آب تنفس کند و گرنه حرکت آن در بیرون از آب صرفاً برای زنده ماندن بوده و اکسیژن نیز از مرگ او را نجات نخواهد داد. نظریات و مدل‌های مدیریت نیز بدون اجرا و استقرار در یک فرهنگ و جامعه، بی‌معنا بود و صرفاً واژگانی کلی و مبهم هستند که صحت و سقم آنها قابل ارزیابی نیست. اما وجود یک نظریه مدیریتی در یک فرهنگ خاص و اجرا در فضای جامعه، می‌تواند زیبایی‌ها و ارزش‌های آن را نمایان سازد. همین ارتباط نزدیک موجب می‌شود که بسیاری از یافته‌های مدیریت در یک فرهنگ و محیط خاص، در فرهنگ و جامعه‌ای دیگر، علی‌رغم وجود مشترکات، بعضاً تفاوت‌هایی نیز داشته باشند (گودرزی، ۱۳۸۳، ص ۱ و ۲).

در این زمینه، *سایمون* بر این باور است که انتخاب افراد در یک محیط پر از مفروضات صورت می‌گیرد. مبنایی که فرد آنها را پایه تصمیم‌گیری‌های خود قرار داده و رفتار او نیز در چارچوب محدودیت‌هایی که با این مفروضات پدید می‌آید، صورت می‌گیرد (باقریان، ۱۳۸۰، ص ۶۳). درواقع، مفروضاتی که از سوی افراد پذیرفته می‌شود و مبنای تصمیمات قرار می‌گیرند، مبنای ارزشی لازم برای هدف‌هایی را پدید می‌آورند که تمامی تصمیمات برای دستیابی به آنهاست. بنابراین، این مفروضات دوگونه عمل می‌کنند: نخست، نظام ارزشی ما را شکل داده و ما را بر این می‌دارد که در این چارچوب هدف‌هایی را تعیین کنیم و برای دستیابی به آنها تلاش کنیم. دوم اینکه، فرایند تصمیم‌گیری را نیز متأثر می‌سازد (همان).

لازم به یادآوری است که با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جامعه دینی مبتنی بر تفکر شیعی،

بررسی مبانی مدل تصمیم‌گیری «افق جهانی»

غلامرضا بردبار* / مصطفی سلمان‌نژاد**

چکیده

امروزه نقش و وظیفه‌ی بی‌بدیل تصمیم‌گیری در فعالیت‌های سازمانی بر کسی پوشیده نیست. با توجه به این نقش، اندیشمندان مدیریت از آن به‌عنوان «قلب مدیریت» یاد می‌کنند. اما آنچه بیش از اهمیت تصمیم‌گیری مورد توجه می‌باشد، تأثیر فرهنگ و بینش انسان بر تفکر و عمل تصمیم‌گیری اوست؛ زیرا اگر مدلی که فرد براساس آن به تصمیم‌گیری می‌پردازد، مبتنی بر مبانی‌ای متعارض با فرهنگ جامعه او باشد، بعضاً می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری را برای خود و جامعه در پی داشته باشد. شناخت این مبانی می‌تواند برای تصمیم‌گیرنده بسیار مهم و راهگشا باشد. بر این اساس، این مقاله به مبانی تصمیم‌گیری مدل «افق جهانی» می‌پردازد. روش تحقیق، تئوری داده‌بنیاد متنی است. نتایج تحقیق نشان داد که مبانی مدل تصمیم‌گیری افق جهانی، توحید، ولایت‌مداری، عدالت‌محوری، کمال‌گرایی و مردم‌گرایی می‌باشد. کلیدواژه‌ها: تصمیم‌گیری، مدل افق جهانی، مبانی، توحید، عدالت، کمال.

* استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد

** کارشناس ارشد مدیریت صنعتی دانشگاه یزد

دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۹ - پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۵

به اعتقاد اکثر اندیشمندان فرایند رویش فرهنگ و تمدن جدیدی شکل گرفت که مبتنی بر نظام تفکری خاص بود که در تضاد کامل با نظام تفکری حاکم قرار داشت. اکنون پس از گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی ایران و فراگیر شدن پیام انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن در سطح جهان، آغاز فصل جدیدی از تغییر و تحولات جهانی را نوید می‌دهد که این تحولات را باید جامعه شیعی آن را راهبری نماید. این راهبری باید در سطحی صورت گیرد که بتواند شکل‌دهنده تمدن جدیدی برای جهانیان باشد. بر این اساس، مراکز دانشگاهی و حوزوی جامعه اسلامی ما در راستای شکل‌دهی به چنین تمدنی دارای رسالتی بسیار سنگین خواهد بود. طبیعتاً آغاز چنین حرکتی می‌بایست همراه با شناخت نظام فکری و مبانی آن باشد و این شناخت باید در همه رشته‌ها، بخصوص، در رشته‌های علوم انسانی صورت گیرد؛ چراکه همه علوم به نوعی مبتنی بر علوم انسانی بوده و از آن تغذیه می‌کنند. حال سؤالی که با توجه به اهمیت رشته مدیریت و موضوع تصمیم‌گیری مطرح می‌شود این است که مبانی تصمیم‌گیری در اسلام چیست؟

این مقاله برای پاسخ دادن به این سؤال و بررسی سیر تکوینی فرایند تصمیم‌گیری، بر مطالعه مدل‌های تصمیم‌گیری متمرکز شد؛ زیرا به نظر می‌رسد، جنبه‌های میان‌رشته‌ای تصمیم‌گیری از طریق مدل‌سازی و چارچوب‌دهی، بیشتر قابل بررسی، فهم و توضیح هستند. بدین منظور، در این مقاله مدل تصمیم‌گیری افق جهانی، که مدلی برای تصمیم‌گیری در حوزه سیاستگذاری راهبردی با رویکرد موعودگرایی شیعه است، انتخاب شد و ضمن بررسی فضایی که این مدل در آن طراحی گردیده (مدیریت اسلامی)، با استفاده از روش تحقیق تئوری داده‌بنیاد متنی، مبانی این مدل استخراج گردید. بنابراین، هدف این پژوهش، بررسی مبانی مدل تصمیم‌گیری افق جهانی است.

در خصوص بررسی مبانی علوم در حوزه مدیریت، برخی مطالعات به این مبانی اشاره دارند و در حوزه تصمیم‌گیری نیز مطالعاتی صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان موارد زیر را نام برد:

پورعزت (پورعزت و الوانی، ۱۳۸۳) طی پژوهشی به تدوین نظام منطقی نهایی می‌پردازد که بر پنج اصل توحید، برابری مبتنی بر یکسانی در خلقت، آزادی و اختیار ناشی از همانندی در خلقت، تناسب حق و تکلیف و تسهیل کمال‌گرایی بنیان‌نهاد می‌شود و با استناد به **نهج‌البلاغه**، نوزده قضیه از اصول فوق استنباط می‌کند.

ماندگار در کتاب **خط‌مشی‌های سیاسی نهج‌البلاغه**، به بررسی خط‌مشی‌های عمومی حکومت در **نهج‌البلاغه**، محورهای خاص خط‌مشی‌های حکومتی در ابعاد نظری و عملی پرداخته که به ترسیم

الگوی حکومتی می‌انجامد. وی در این کتاب، به بررسی مبانی خط‌مشی‌گذاری حکومت علوی می‌پردازد و خط‌مشی‌های کلی حکومت علوی را با محورهای زیر معرفی می‌کند: خدامحوری؛ مردم‌محوری؛ عدالت‌محوری؛ امنیت؛ آزادی؛ تعادل؛ توسعه و اصلاحات اجتماعی و جامع‌نگری (ماندگار، ۱۳۸۱).

گودرزی (گودرزی، ۱۳۸۳) در مقاله‌ای به تبیین مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک در شهر عدل مهدوی می‌پردازد. وی مبانی تصمیم‌گیری در شهر مهدوی را عدل، کمال انسانی و شعور مخاطب معرفی نموده و در مقابل، مبانی آن را در نظام غرب بر اساس سودطلبی، خودمحوری و رفاه‌طلبی مطلق بیان می‌دارد.

فروتنی (فروتنی، ۱۳۸۷) در رساله دکتری خود، به بررسی و مقایسه الگوی تصمیم‌گیری امام خمینی علیه السلام با مدل‌های تصمیم‌گیری استراتژیک رایج پرداخته و الگوی جامع تصمیم‌گیری راهبردی ایشان را با سه مؤلفه اساسی و سه ویژگی طراحی می‌کند. این مؤلفه‌ها عبارتند از: ۱. اصول و مبانی ارزشی و مؤلفه‌های مکتبی و اعتقادی به‌عنوان پایه، اساس و زیربنای تصمیم؛ ۲. شناخت راهبردی امام علیه السلام و ۳. قدرت تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی امام علیه السلام در واقع، اصول و مبانی ارزشی و اعتقادی امام خمینی علیه السلام به‌عنوان اساس و بنیان اصلی تصمیم‌های راهبردی ایشان در رأس هرم تصمیم‌گیری قرار دارد و زیربنای تصمیم‌های امام علیه السلام را شکل می‌بخشد.

ادبیات تحقیق

- تعریف مبانی

به‌طور کلی، هر مکتب، فلسفه، علم و مانند آن، بر مبانی و اصول خاصی استوار است که این مبانی، زیربنای مسائل آن فلسفه یا علم بوده و تکیه‌گاه آن محسوب می‌شود. به‌عبارت دیگر، اگر موضوعات و مسائل هر نظام فکری، فلسفی و نظیر آن را به‌عنوان روبناها یا شاخ و برگ آن نظام در نظر بگیریم، اینها بر مبانی و اصولی استوار هستند که در نهایت به همان اصول بازگشت می‌کنند. به همین دلیل، برای شناخت هر نظام فکری ابتدا باید مبانی و ریشه‌های آن را شناخت. به‌عبارت دیگر، مبانی، مباحث بنیادی و زیرساختی هستند که با تغییر آن، همه امور در حوزه خود را تغییر می‌دهند و آنها را می‌توان به مبانی تصویری و تصدیقی تقسیم نمود. مبانی تصویری، که همان تعاریف و در واقع بیان ماهیت مسائل مورد بحث است، معمولاً در خود علم و به‌صورت مقدمه مطرح می‌شوند. اما مبانی تصدیقی، که در واقع شناخت وجود موضوع و شناخت اصولی است که مسائل آن علم به‌وسیله آنها اثبات می‌شود،

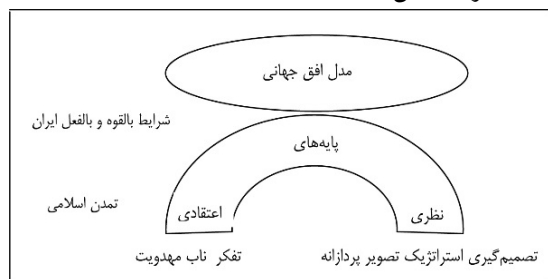
سایمون بر این باور بود که تصمیم‌گیری عبارت است از: فرایند برگزیدن راه بدیلی از میان فعالیت‌هایی که به منظور رسیدن به هدف یا اهدافی تحقق می‌یابد و تصمیم‌گیری در حوزه مدیریت، با همه فرایند مدیریت مترادف است (علوی، ۱۳۸۶؛ Simon, 1976).

چستر بارنارد معتقد است که فرآیندهای تصمیم‌گیری در مقیاس گسترده‌ای، روش‌های جامعی برای روان‌کردن یا منحصراً کردن انتخاب بهتر است (صالحی صدیقیانی و محمدیانی، ۱۳۷۸).

بنابراین، می‌توان عوامل اصلی در تصمیم‌گیری را بدین صورت بیان نمود: ۱. تشخیص مسئله؛ ۲. تشخیص راه‌حل‌های مربوط؛ ۳. تشخیص و انتخاب بهترین راه‌حل.

مدل افق جهانی

مدل افق جهانی، مدل تصمیم‌گیری استراتژیک با محوریت تفکر مهدویت در ایران می‌باشد که به دنبال چگونگی استفاده از این تفکر در مقام سیاست‌گذاری است. این مدل، در بستر تمدن اسلامی و منطبق با شرایط بالقوه و بالفعل ایران و بر اساس مبانی زیر قوام یافته است. از دیدگاه گودرزی به‌عنوان طراح مدل، همان‌طور که در شکل (۱) نشان داده شده است، این مدل بر دو پایه‌های نظری و اعتقادی استوار است. پایه اعتقادی آن، مفهوم آینده‌نگری و فرجام‌شناسی الهی با تأکید بر تفکر ناب مهدویت و پایه نظری آن، مدل تصمیم‌گیری استراتژیک فوق‌فعال است که از ترکیب این دو پایه، مدل تصمیم‌گیری استراتژیک تصویرپردازانه بصیرت‌بخش ارائه شده است.



شکل (۱): پایه‌های مدل افق جهانی (گودرزی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۷)

در مدل تصمیم‌گیری استراتژیک فوق‌فعال، به‌عنوان یکی از پایه‌های مدل، تصمیم‌گیرنده وقتی با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شود، در برابر آینده کاملاً موضع فعالانه دارد و خود به آینده‌نگری اقدام می‌کند و اساس و بنیان آینده را با عنایت به مقاصد آینده‌ساز بر هم می‌زند. در این حالت، تصمیم‌گیرنده خود را بسیار بالاتر از جایگاهی ارزیابی می‌کند که آینده‌ساز در آینده برای او ترسیم نموده است. از این‌رو، چون خود را در حد و اندازه آینده‌نگری ارزیابی می‌کند، به رفتن در مسیری که آینده‌ساز ترسیم کرده، رضایت نمی‌دهد و باید

مختلف بوده و غالباً در علوم دیگر مورد بحث قرار می‌گیرند. بنابراین، مبانی تصدیقی علوم خود بر دو قسم است: یکی تصدیق وجود موضوع و دیگر تصدیق اصولی که منبای تبیین مسائل مربوط به موضوع قرار می‌گیرند. قسم اخیر نیز بر دو قسم است: یکی اصول نظری و غیربدیهی، که باید در علوم دیگر اثبات شود و دیگری اصول بدیهی و بی‌نیاز از اثبات، مانند قضیه محال بودن تناقض و مانند آن. دسته اول را «اصول موضوعه» و دسته دوم را «اصول متعارفه» گویند. ضرورت اصول متعارفه چنان است که خلاف آن را نمی‌توان تصور کرد. نظیر قضیه کل از جز خود بزرگتر است و مانند آن. ضرورت اصول موضوعه از اصول متعارفه خفیف‌تر است، ولی در آغاز هر علمی آن را ضروری فرض می‌کنند (سبزیان موسی‌آبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۲ و ۱۳).

بدین ترتیب، باید برای شناخت هر موضوع ارکان سه‌گانه شناخت آن، یعنی ماهیت موضوع، وجود موضوع و اصول موضوعه آن را شناخت. لازم به یادآوری است که منظور از مبانی در این تحقیق، اصول موضوعه مبانی تصدیقی می‌باشد.

- تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری اگرچه به‌عنوان وظیفه‌ای از وظایف چندگانه مدیریت به‌شمار آمده، اما نقش آن در مدیریت به‌حدی تعیین‌کننده است که می‌توان اثر آن را در تمام فعالیت‌های مدیریتی به‌روشنی مشاهده کرد. تصمیم‌گیری، جوهره و هسته تمامی فعالیت‌ها و وظایف مدیریت و اساساً جوهره شغل مدیریت دانسته و قلب مدیریت است (دسلر، ۱۳۶۷، ص ۶۷). علاوه بر این، پیچیدگی و سرعت تغییرات و نیز تصمیم‌گیری خارج از مرز و فرهنگ ملی، اهمیت آن را دوچندان خواهد شد. بنابراین، تصمیم‌گیری اصلی‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه مدیریت به‌شمار آمده و بخش مهم کار مدیران است (مردمی، ۱۳۷۳).

اندیشمندان مدیریت با توجه به ابعاد گوناگون تصمیم‌گیری، تعاریفی متعددی برای آن ارائه داده‌اند. کارل اندرسون، تصمیم‌گیری را این‌گونه تعریف می‌کند: «ساده‌ترین تعریف تصمیم‌گیری عبارت است از: انتخاب یک راهکار از میان چند راهکار احتمالی» (قلی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۷). کالبدشکافی هر تصمیمی حاوی مسائلی بیش از اینهاست؛ هر تصمیمی با ظهور مسئله و مشکل، فرایند خود را آغاز می‌کند. معمولاً هر تصمیمی که گرفته می‌شود، نمایشگر تفاوت بین وضع موجود و رسیدن به وضع دلخواه در آینده است (قلی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۷). بر این اساس، تصمیم‌گیری، دریافت راه‌های ممکن و نتایج ناشی از آنها و انتخاب اصلح از میان آنهاست. اگر مدیر بتواند این انتخاب را به نحو درست و مطلوبی انجام دهد، تصمیم‌ها، درست و سازنده خواهند بود (الوانی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۳).

در توضیح این شکل، چند نکته قابل ذکر است:

الف. در این نگرش، پایه‌های تفکر مهدویت بر مباحث اساسی، که در طول سال‌ها حیات طیبه شیعه عمق یافته، بنا شده است. مباحث کلامی، اعتقادی، تاریخی، عقلی و... برخی از مهم‌ترین مباحث مذکورند. ب. همان‌طور که در شکل مشخص است، وجود مبارک امام عصر عجله تعالی فرجه محور و اساس این تفکر است. تمامی اجزای دیگر حول وی در تعامل هستند. در میان این اجزا، منتظران حضرت وجود دارند. مراد از منتظران اعم از منتظران آگاه (شیعیان حقیقی) و یا منتظران ناآگاه (عامه مردم جهان) است؛ زیرا در حقیقت کل جهان ناخودآگاه در انتظار قیام جهانی اوست. اما گروهی معتقد، مطلع و منتظر آند و بسیاری یا به آن اعتقاد ندارند و یا از آن غافل هستند، اما در نهایت، جهان و آنچه در آن است، منتظر حضور اوست. سایر اجزا نیز در تعامل با یکدیگر بوده و در مجموع کل این نظام، یک حرکت هدفمند به سوی تحقق وعده الهی را دارد.

ج. کل نظام و تفکر مهدویت در بستر مشیت الهی انسجام، قوام و تحلیل خواهد شد. در حقیقت، این تفکر ذات پروردگار در عین وجود اختیار برای انسان، دارای قدرت تأثیرگذاری بوده و سنن الهی چون بداء، ابتلاء و... در حیات بشری وجود دارند.

گودرزی برای مدل موردنظر خود، یک مجموعه مفروضات بنیادی معرفی می‌کند و آنها را به طراح آن مدل یا شرایط و قواعدی مربوط می‌داند که در جهت استقرار مدل، باید مدنظر قرار بگیرند. این مفروضات اساسی عبارتند از: ۱. تفکر مهدویت به‌عنوان چشم‌انداز؛ ۲. بستر آینده‌نگری الهی؛ ۳. روش تصویربرداری بصیرت‌بخش؛ ۴. عدالت‌محوری در تمامی شئون؛ ۵. اتکا به منابع اسلامی در کنار الگوبرداری از دستاوردهای مطلوب بشری؛ ۶. دیدگاه جهانی؛ ۷. اعتقاد به هلال الهی؛ ۸. اتکا به عامه مردم در کنار خواص؛ ۹. تصمیم‌گیری گروهی و مشارکتی؛ ۱۰. تکلیف‌محوری (گودرزی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۷-۲۳۵).

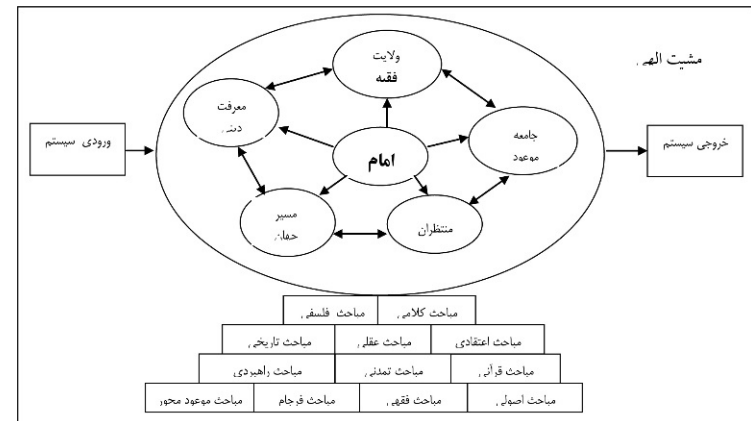
پس از طراحی زیرساخت‌ها و زیربناهای این مدل و بیان نقش و اهمیت آنها، مؤلفه‌های آن بدین ترتیب معرفی می‌شوند: ۱. تفکر مهدویت؛ ۲. رهبری؛ ۳. سیاست‌ها و استراتژی‌ها؛ ۴. شرایط کشور؛ ۵. شرایط جامعه جهانی؛ ۶. فرجام‌شناسی الهی.

مدل افق جهانی، مدل تصمیم‌گیری استراتژیک است که ورودی آن، مسئله استراتژیک و خروجی آن تصمیم استراتژیک است. در این مدل، شش مؤلفه مهم مذکور به‌عنوان مغز مدل، کار پردازش و اخذ تصمیم را بر عهده دارند. این مدل در شکل (۳) نشان داده شده است؛ در این شکل مؤلفه‌ها چون چرخ دنده‌های سیستم، درهم تنیده و بر هم تأثیرگذارند.

ضمن وقوف بر قواعد و اصول آینده‌نگری، برخورداری از توانمندی کافی برای برهم زدن آینده، خود به آینده‌نگری اقدام و از آن مهمتر، آن را اجرا کند و تا حدی که ممکن است آینده‌ساز را به واکنش اصلاحی وادار کند. بنابراین، می‌توان گفت: مبانی تصمیم‌گیری راهبردی بخصوص در حوزه سیاست‌گذاری عمومی، به شدت تحت تأثیر فلسفه و مبانی آینده‌نگری است. از آنجایی که نگرش انسان به آینده و آینده جهان آگاهانه و یا ناآگاهانه منجر به تأثیرگذاری بر تصمیمات حال می‌شود، طراحی مدل تصمیم‌گیری بدون در نظر گرفتن اصول آینده‌نگری، منجر به تبعیت از روند آینده‌سازی و اخذ تصمیمات مبتنی بر تحلیل‌ها و تمایلات آینده‌سازان خواهد شد (رحمان سرشت، ۱۳۸۹).

این مدل در بستر آینده‌نگری الهی تحقق می‌یابد و کاربرد اساسی آن در چارچوب فرجام‌شناسی خواهد بود. بنابراین، یکی از موضوعات محوری این مدل را می‌توان مفهوم «آینده‌نگری» و فرجام‌شناسی الهی دانست که می‌تواند در تعیین مبانی مدل مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر، ارزش‌های حاکم بر این مدل، از پایه‌های اعتقادی تفکر ناب مهدویت است (همان، ص ۲۲۲). می‌تواند در استخراج مبانی مدل کمک کند.

گودرزی از منظر علم مدیریت و با نگرشی سیستمی به مسئله مهدویت می‌پردازد. در شکل (۲) تفکر مهدویت به‌صورت یک سیستم و به‌عنوان فضا و تفکری جهت تحلیل وقایع و مدل تصمیم‌گیری استراتژیک نشان داده شده است. ورودی این سیستم، می‌تواند هر مسئله و تصمیمی باشد که مدنظر تحلیلگران بوده و خروجی آن، تحلیل مبتنی بر این نظر است. گودرزی تأکید دارد که تفکر موردنظر بر پایه شواهد و قرائنی که در اختیار است، ساخته شده و اجزای آن نیز در درون آن آمده‌اند.



شکل (۲): نگرش سیستمی به تفکر مهدویت (همان، ص ۱۸۲)

نمای علوم تجربی معاصر مطرح است که به‌طور عمده غیردینی و گاه ضددینی هستند. بر این اساس، گودرزی به طراحی و ارائه مدل افق جهانی پرداخته و با تأکید بر این رویکرد جدید در مدیریت، به معرفی مدل خود در بستر تفکر مهدویت می‌پردازد.

درباره مدیریت اسلامی تعاریف متعددی ارائه گردیده که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

آیت‌الله مصباح در تعریف مدیریت اسلامی چنین بیان می‌کند: «مدیریتی که زمینه رشد انسان به سوی الله را فراهم می‌نماید و مطابق با کتاب، سنت و سیره و روش پیامبر ﷺ و امامان معصومین است و علوم و فنون و تجارب بشری جهت رسیدن به اهداف یک نظام در ابعاد مختلف همانند یک محور، مدار و قطب عمل کند» (مصباح، ۱۳۷۹). نقی‌پورفر در این باره می‌گوید: «مدیریتی که متأثر از ارزش‌ها و باورهای اسلامی است و سعی در تعالی روح انسانی از طریق ارتقا سطح زندگی و نیل به اهداف فردی در راستای اهداف الهی دارد» (نقی‌پورفر، ۱۳۸۳). محققان دیگری نیز مدیریت اسلامی را چنین تعریف می‌کنند: «مدیریت اسلامی شیوه به‌کارگیری منابع انسانی و امکانات مادی، برگرفته از آموزه‌های اسلامی برای نیل به اهدافی است که متأثر از نظام ارزشی اسلام می‌باشد» (آقایپور و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۱). گودرزی نیز با توجه به این تعاریف، بر این اصل مهم تأکید دارند که مدیریت اسلامی در مبانی ارزشی و مبانی معرفت‌شناسی خود، وجوه تمایز و تشابهی با سایر مکاتب مدیریت دارد. بدین ترتیب، مهم‌ترین نکات مشترک تعاریف مختلف مدیریت اسلامی را شامل موارد زیر می‌داند:

۱. هدف از مدیریت اسلامی، حرکت به سوی الله است. پس، مدیریت اسلامی در مقصد متفاوت از مدیریت غرب است.
۲. مدیریت اسلامی در مبانی ارزشی و مبانی معرفت‌شناختی خود، وجوه تمایز و بعضاً تشابهی با مدیریت غرب دارد.

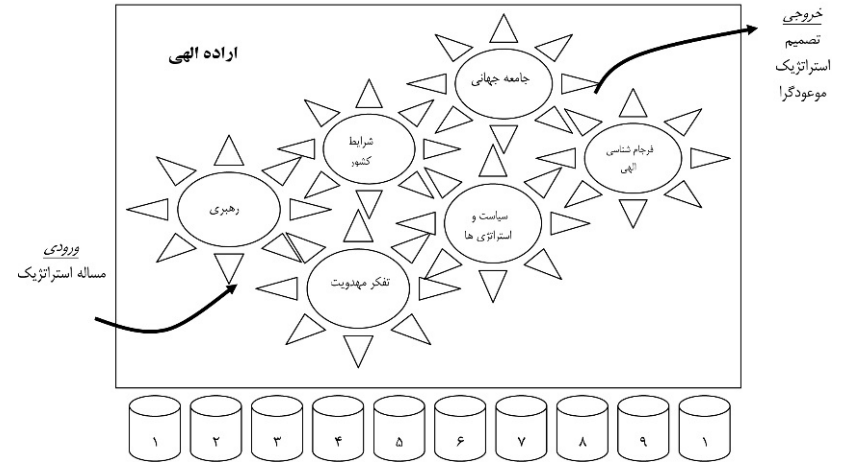
۳. منابع تبیین و حصول به مدیریت اسلامی از مدیریت غرب متفاوت است.

۴. ملاک ارزش‌گذاری مدیریت اسلامی، موازین شرعی است.

۵. نگرش سیستمی و نظام‌مند در تعاریف مذکور وجه اشتراک مدیریت غربی و اسلامی است.

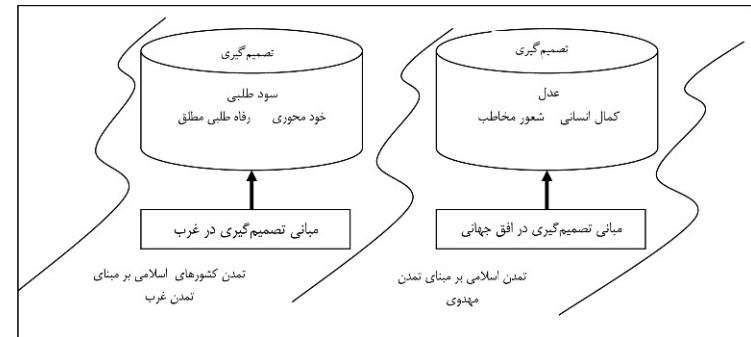
۶. در کنار اهداف سازمانی، اهداف فردی نیز لحاظ می‌شوند. البته در مدیریت اسلامی، هدف بالاتری نیز وجود دارد.

باید توجه داشت که نحوه مواجهه با مدیریت اسلامی و تعریف آن همچنان‌که گذشت، متفاوت بوده و آنها را می‌توان به چهار دسته کلی به شرح زیر تقسیم نمود:



شکل (۳): مدل افق جهانی (همان، ص ۲۴۰)

در مورد تفاوت در مبانی این مدل با سایر مدل‌های موجود، بستر اصلی تصمیم‌گیری در این مدل «عدالت» معرفی می‌شود. درحالی‌که در مدل‌های دیگر، بستر اصلی «سودآوری» است. این تفاوت بستر را می‌توان در شکل (۶) مشاهده نمود.



شکل (۶) مقایسه تصمیم‌گیری در تمدن غرب با تمدن مهدوی (همان، ص ۲۴۲)

مدیریت اسلامی

حوزه جدیدی که پس از پیروزی انقلاب در مراکز دانشگاهی مطرح شد و پیش‌تر از آن در بین اندیشمندان مطرح بوده، بحث اسلامی کردن علوم می‌باشد که در دهه اخیر بسیار جدی‌تر، از سوی اندیشمندان مدیریت مورد توجه قرار گرفته است. به‌دنبال آن، طرح مباحث مربوط به علم دینی و ایجاد رابطه میان شاخه‌هایی از علم تجربی و دین در قالب تعبیری مانند روان‌شناسی اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی، مدیریت اسلامی و... است که بسیار چالش‌برانگیز می‌باشد؛ زیرا این مباحث در فضای نشو و

جدول (۱): مقایسه روش‌های مطالعه مدیریت اسلامی (همان، ۸۶)

گروه	اساس روش‌ها	بستر اساسی	نتیجه نهائی تعیین	نقطه قوت	نقطه ضعف
۱	مدیریت غربی	تمدن غرب	اخلاقیات مدیر اسلامی	به سادگی به دست‌آمده و قابل فهم مشترک بین همه افراد در تمامی فرهنگ‌هاست	مبانی آن دارای ابهامات اساسی و مشکل جدی روش شناسی دارد.
۲	تعالیم اسلامی	تمدن فعلی مسلمانان	شاخه‌ای از مدیریت اسلامی	برای جامعه اسلامی پذیرش آن بهتر است	علی‌رغم وجود اختلاف‌ها، مبانی آن با مبانی تمدن غرب آمیخته می‌شود. لذا مشکل روش‌شناسی دارد.
۳	مدیران اسلامی	زمان و شرایط	سیک‌های مدیران اسلامی	برای جامعه اسلامی پذیرش آن بهتر است	مبانی آن دارای ابهامات اساسی و مشکل روش‌شناسی و تعمیم دارد.
۴	منابع اسلامی	تمدن اسلامی	مدیریت اسلامی	تبیین مدیریت اسلامی بر مبنای روش‌شناسی اسلامی	زمان بر و هزینه‌بر است.

تقی پورفر، منابع تحقیق در مدیریت اسلامی را قرآن، احادیث ذیل آیات، سیره نظری و عملی معصومان علیهم‌السلام، تفاسیر معتبر و معجم‌های قرآن و حدیث معرفی می‌کند (تقی پورفر، ۱۳۸۳، ص ۵۵ و ۵۶).

نظام ارزشی، سازمان‌پایداری از عقاید است که با شیوه‌های قابل ترجیحی از کنش یا حالت‌های غایی وجود، ارتباط دارند. ارزش‌ها، پایه و اساس بینش و کنش انسان را تشکیل می‌دهند و در انتخاب، گزینش و انجام کنش نقش دارند و تعیین‌کننده رفتار و کنش اجتماعی هستند (پوریانی، ۱۳۸۷).

ارزش‌هایی که اسلام ارائه می‌دهد، یا مربوط به فرد و زندگی فردی و یا مربوط به جمع و زندگی جمعی می‌گردند. ارزش‌های اجتماعی نیز دارای دو مبنای بینشی و گرایش هستند؛ یعنی هر ارزشی از یک پایه بینشی و یک پایه گرایشی ساخته می‌شود. از سوی دیگر، ارزش واسطه بین بینش و گرایش با کنش اوست. به عبارت دیگر، ارزش منشأ کنش اختیاری در انسان می‌شود (مصباح، ۱۳۷۵، ص ۱۸ و ۱۷).

ارزش‌های اجتماعی که در اسلام مطرح است، به طور کلی به دو بخش تقسیم می‌گردند: یکی رابطه عدل و قسط و دیگری رابطه احسان (به انسان‌ها) می‌باشد. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰). اصل سوم، ارزش‌های عامی است که در روابط هر انسان با انسانی دیگر و در زندگی اجتماعی وجود دارد و دو اصل عدالت و احسان باید تنظیم‌کننده آن باشند (همان، ص ۱۹).

در مورد هدف نظام اسلامی نیز باید گفت: اسلام برای مردم زندگی راحت، رفاه، آسایش، عدالت و احسان می‌خواهد. اما هدف دیگری نیز دارد و می‌خواهد بدین وسیله، انسان به کمال بیشتری دست یابد و این هدف بر همه ارزش‌ها سایه می‌افکند و همه ارزش‌ها در این قالب محدود می‌شود. ما از دیدگاه اسلام، یک ارزش مطلق داریم و آن خداپرستی و به تعبیر ساده‌تر تقواست. سایر ارزش‌ها مقدمی، نسبی و وسیله‌ای‌اند (همان، ص ۲۰).

الف. اسلامی نمودن برخی از اصول و مبانی مدیریت: در این مجموعه، روش‌هایی قرار می‌گیرند که سعی دارند با اصل قرارداد یافته‌ها و نظریات مدیریت غربی در بین منابع اسلامی، سند یا سستی را بیابند که سنخیت و مشابهتی در لفظ و یا معنا با این اصول داشته که اسم این مجموعه را مدیریت اسلامی می‌گذارند.

ب. مدیریتی نمودن برخی از منابع اسلامی: در این مجموعه، روش‌هایی قرار می‌گیرند که دقیقاً عکس حرکت قبل را انجام می‌دهند؛ یعنی اینکه با اصل قرار دادن منابع اسلامی در میان مدیریت غربی، به دنبال سنخیت و مشابهت می‌گردند.

ج. مطالعات شخصیت‌محور: این دسته روش‌ها، معمولاً با مطالعه زندگی، سیره و شیوه مدیران اسلامی در حکومت و تحلیل آن به یک مجموعه خصلت‌های مشترک و اصول مشخص دست می‌یابند و آنها را به عنوان مدیریت اسلامی نظم می‌دهند.

د. تدوین و بنای مدیریت اسلامی: در این دسته از روش‌ها، توجه به اختلاف مبانی مدیریت در اسلام و غرب است. در این رویکرد، بر این مهم تأکید می‌گردد که بسیاری از مفاهیم و واژگان در علوم انسانی و بخصوص مدیریت دارای خاستگاه، بستر و مقصدی متفاوت در اسلام و غرب می‌باشند (همان، ۸۲-۸۴). در این حالت، اولاً مفهوم مدیریت اسلامی، در بلندمدت حاصل شده و در کوتاه‌مدت، پل‌های ارتباطی بین مدیریت و اسلام یافته و اتصالات بنا می‌شود. ثانیاً، از بررسی، تحلیل و به‌کارگیری آنها، مبانی مدیریت اسلامی در بطن تمدن اسلامی به شکل تلفیقی به دست می‌آید.

گودرزی با اشاره به هر چهار رویکرد و ضمن بررسی آنها، فعالیت تحقیقی خود را بر اساس رویکرد چهارم معرفی می‌کند و با تأکید بر نقش فرهنگ و جهان‌بینی در شکل‌گیری نظریه‌های علمی، مدل خود را بر اساس مبانی ارزشی و معرفت‌شناسی برگرفته از دین اسلام ارائه می‌کند. جدول (۱)، مقایسه بین این دسته روش‌ها را نشان می‌دهد.

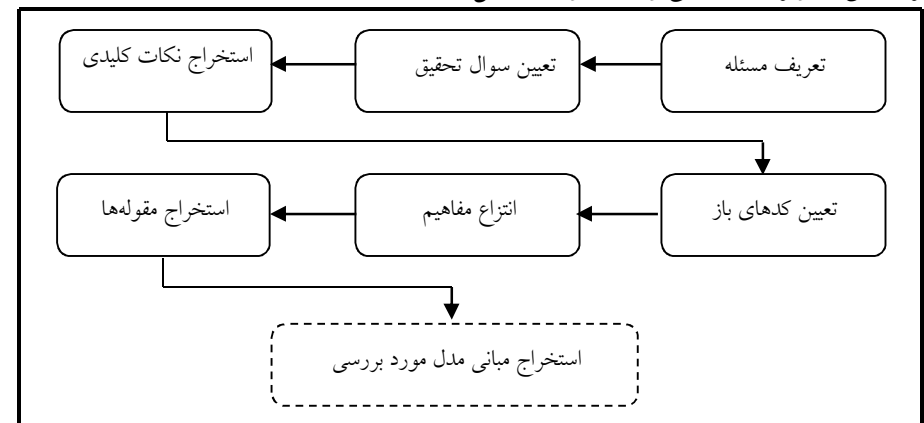
از آنجایی که مدل مورد بحث بر اساس رویکرد چهارم طراحی شده است، به بررسی آن می‌پردازیم. آیت‌الله مصباح در بحث درباره مدیریت اسلامی و چگونگی اتخاذ رویکرد چهارم، معتقد است که باید به چهار سؤال اساسی زیر پاسخ داد: ۱. منابع تحقیق در مدیریت اسلامی چیست؟ ۲. روش تحقیق در مدیریت اسلامی چیست؟ ۳. اصول موضوعه معتبر، که باید بر اساس آنها مسائل مدیریت را حل کرد، کدامند؟ ۴. ارزش‌های حاکم بر نظام مدیریتی چیست؟ (مصباح، ۱۳۷۵، ص ۱۱ و ۱۲).

روش تحقیق: تئوری داده‌بنیاد متنی

استراتژی تئوری بنیادی، نوعی روش‌شناسی تحقیق است که برای طراحی یا تدوین تئوری‌هایی به‌کار می‌رود که با جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، به‌صورت نظام‌مند، از بطن داده‌ها استخراج می‌شوند. به‌طور کلی، استراتژی تئوری داده‌بنیاد، داده‌های حاصل از منابع اطلاعاتی را به مجموعه‌ای از کدها، کدهای مشترک را به مفاهیم، مفاهیم را به مقوله‌ها و آن‌گاه مقوله‌ها را به نوعی تئوری تبدیل می‌کند. پدیده مورد مطالعه این استراتژی در حالت متنی، متن می‌باشد (دانایی فرد و مؤمنی، ۱۳۸۷) که پژوهشگر با مطالعه متن، داده‌های مرتبط با مسئله را از متن، استخراج و آنها را کدگذاری و طبقه‌بندی می‌کند و در نهایت، تئوری خود را ارائه می‌دهد.

از آنجایی که تحقیق حاضر یک تحقیق اکتشافی می‌باشد، نیازمند فرضیه نمی‌باشد. با توجه به مسئله مورد بررسی، در این تحقیق به بررسی مبانی مدل افق جهانی در تصمیم‌گیری خواهیم پرداخت. بر این اساس، سؤال تحقیق بدین صورت بیان می‌شود: مبانی مدل تصمیم‌گیری افق جهانی چیست؟

در این مقاله، این روش تا کشف مقوله‌ها و مبانی موردنظر ادامه خواهد یافت؛ زیرا، در این تحقیق به دنبال طراحی تئوری نیستیم. ولی، چون مبانی تصمیم‌گیری، پدیده‌ای است که در حوزه علوم انسانی و در بستر نهادی و اجتماعی خاص خود تعریف می‌گردد، با توجه به جهت‌گیری بنیادین این پژوهش، و نیز فلسفه پدیدارشناختی آن، از این استراتژی به نوعی برای استخراج مبانی تصمیم‌گیری، الگوبرداری می‌گردد. این الگوبرداری را می‌توان به‌صورت شکل (۷) نشان داد:



شکل (۷): الگوبرداری از روش تئوری داده‌بنیاد

برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، از شیوه اسناد و مدارک به‌منظور تدوین ادبیات موضوع و تحلیل هم‌زمان برای تدوین چارچوب نظری استفاده شد. بر اساس نمونه‌گیری نظری، به‌عنوان روشی برای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل هم‌زمان آنها، ابتدا متن کتاب **تصمیم‌گیری استراتژیک** (گودزی، ۱۳۸۶) به‌عنوان منبع اصلی مدل، مورد مطالعه قرار گرفت و ضمن بررسی مباحث اصلی کتاب، مبحث مدیریت اسلامی به‌عنوان فضای فکری بحث مورد توجه واقع شد. به‌طوری که این مدل نیز بر اساس این رویکرد ارائه شده است. در این میان، بر ارائه مبانی ارزشی و معرفتی مبتنی بر تفکر اسلامی اصرار می‌شود. در واقع، برای بررسی مدل افق جهانی و استخراج نکات کلیدی آن، به دو بعد مدل توجه شد:

۱. موضوع محوری مدل؛ آینده‌نگری الهی و فرجام‌شناسی با تأکید بر مسئله مهدویت؛
۲. بستر فکری اجتماعی مدل که تحت عنوان «مدیریت اسلامی» مورد توجه قرار گرفت. با انجام هریک از این گام‌ها، داده‌های مرتبط با مبانی مدل فیش‌برداری و احصا گردید. با دسته‌بندی و بررسی نکات کلیدی، آنها به دو نوع Ki (کدهایی که مستقیماً به مبانی مدل اشاره دارند) و Pi (کدهایی که به‌صورت غیرمستقیم به مبانی مدل اشاره دارند)، تقسیم شدند. در مجموع، ۱۵ نکته کلیدی از نوع Ki و ۳۵ نکته کلیدی از نوع Pi به‌دست آمد. به دلیل اینکه کل کتاب یادشده مورد بررسی قرار گرفت و داده‌های دیگر، صرفاً نتایج قبلی داده‌های پیشین را تکرار می‌کرد، فرایند نمونه‌گیری متوقف شد (آریان، ۱۳۸۹، ص ۸۶-۹۵).

در ادامه، برای هر نکات کلیدی، یک «کد» تعیین شد. سپس، با مقایسه کدها و با استفاده از نظرات کمکی و مشورتی استادان، چند کد، که اشاره به یک جنبه مشترک داشتند، به‌عنوان یک «مفهوم» تعیین شدند (دانایی فرد و زنگویی نژاد، ۱۳۹۰). در مجموع آنها به ۱۰ مفهوم انتزاع گردید. پس از بررسی و مقایسه مفاهیم، مفاهیم مشترک در کنار یکدیگر، تشکیل یک مقوله می‌دهند که در این تحقیق، پنج مقوله مطرح گردید. آن‌گاه مقوله «توحید» به‌عنوان مقوله اصلی تعیین شد که با اتکا به آن، مبانی مدل، تبیین و مقوله‌های به‌دست آمده در ارتباط با آن طبقه‌بندی گردید. در واقع، در مرحله کدگذاری، از سه نوع کدگذاری موجود در این استراتژی، فقط به کدگذاری باز اقدام شد. طی آن، مقوله‌ها استخراج شدند و به این مقوله‌ها، به‌عنوان مبانی مورد جست‌وجو استناد گردید.

تحلیل داده‌ها

نکات کلیدی استخراج شده در این بررسی، با توجه به موضوع محوری مدل (فرجام‌شناسی الهی و تفکر مهدویت) و بستر یا زمینه اصلی آن (مدیریت اسلامی)، به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول متونی هستند که در مبانی بودن آنها از سوی گوینده تصریح شده و آنها را با ki نشان می‌دهیم که در جدول (۲) نشان داده شده‌اند. دسته دوم، آنهایی هستند که در مبانی بودن آنها تصریحی صورت نگرفته بود و محقق با استدلال، معنایی را برای آنها در نظر گرفته است که آنها را با Pi نشان می‌دهیم و در جدول (۳) آمده‌اند.

جدول (۲): نکات کلیدی Ki و کدهای آن

نشانگر	نکات کلیدی	کد
K1	مدل افق جهانی بر دو پایه نظری و اعتقادی استوار است، که پایه اعتقادی آن مفهوم آینده‌نگری و فرجام‌شناسی الهی با تأکید بر مسئله مهدویت یا تفکر ناب مهدویت است (گودرزی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۰).	تفکر مهدویت
K2	ارزش‌های حاکم بر مدل افق جهانی، از پایه‌های اعتقادی تفکر ناب مهدویت است (همان، ص ۲۲۶).	تفکر مهدویت
K3	اولین فرض اساسی مدل افق جهانی تفکر مهدویت به‌عنوان چشم‌انداز است (همان، ص ۲۲۷).	تفکر مهدویت
K4	بستر آینده‌نگری الهی به‌عنوان یکی از فرض‌های اساسی مدل به‌شمار می‌رود (همان، ص ۲۳۰).	آینده‌نگری الهی
K5	عدالت‌محوری در تمامی شؤون یکی دیگر از فرض‌های اساسی مدل به‌شمار می‌رود (همان).	عدالت‌گرایی
K6	در شهر عدل مهدوی، اساس اداره کشور و سیاست مبتنی بر عدل است (همان).	اساسی بودن عدل
K7	در تفکر ناب مهدوی پایه تصمیم‌گیری بر عدل و کمال استوار است (همان، ص ۲۳۱).	عدل و کمال، پایه‌های تصمیم‌گیری
K8	اتکاء به منابع اسلامی در کنار الگوبرداری از دستاوردهای مطلوب بشری، یکی دیگر از فرض‌های اساسی مدل به‌شمار می‌رود (همان).	تأکید بر منابع اسلامی
K9	محور در هلال الهی به‌عنوان ابزار اصلی نفوذ تفکر مهدویت در سطح جهان و از فرض‌های اساسی مدل افق جهانی؛ رهبران جامعه اسلامی و ولی فقیه عادل و جامع‌الشرایط است. وی از دو طریق و یا دو ابزار توانمندی که در اختیار دارد، یعنی پیام رسا و روشن (دعوت به اسلام ناب و خودشناسی انسان‌ها) و فطرت پاک انسانی (به‌عنوان مخاطب پیام وی)؛ در عمق جان مخاطبان نفوذ خواهد کرد (همان، ص ۲۳۲).	آینده‌نگری الهی تفکر مهدویت، نقش رهبری یا ولی فقیه، تأکید بر ابزارهای الهی، منابع و تمدن اسلامی و توجه به مردم به‌عنوان مخاطب
K10	اتکاء به عامه مردم در کنار خواص، یکی دیگر از فرض‌های اساسی مدل به‌شمار می‌رود (همان، ص ۲۳۳).	توجه به نقش مردم
K11	عدالت در مدل موعودگرایانه اصل است، نه معیار و هر مدل تصمیم‌گیری که در فضای تمدن اسلامی و با گرایش موعودگرا طراحی شود، و اساس آن عدالت است. (همان، ص ۲۳۱)	عدالت‌گرایی در تمدن اسلامی
K12	مبانی تصمیم‌گیری در مدل افق جهانی؛ کمال انسان، عدل و شعور مخاطب می‌باشد (همان، ص ۲۴۲).	تأکید بر عدل، کمال و شعور مخاطب
K13	تفکر مهدویت به‌عنوان مهم‌ترین رکن کتاب می‌باشد (همان، ص ۲۲۲).	تفکر مهدویت
K14	در تفکر مهدویت، فرض بنیادین این است که حضرت امام زمان پس از سال‌ها غیبت کبری و به اذن الهی ظهور یافته و با تجلی قیام پرپرکت خویش، جهان را از عدل و داد خواهد گسترده (همان، ص ۱۷۹).	نقش عدل در تفکر مهدویت
K15	آنچه در این میان قدر متیقن مورد بحث بوده است و در این تحقیق و در مدل پیشنهادی به‌عنوان یکی از فرض‌های بنیادین مورد توجه خواهد بود، این است که عالمان شیعی در فقدان حضور امام زمان(ع) در پاره‌ای از مسائل، نظیر امور حسبیه، ولایت دارند و از آنجا که مسکوت‌گذاران این امور مورد نظر شارع نیست، فقیه جامع‌الشرایط از باب واجب کفایی، به‌عنوان امین شارع و نائب عام حضرت، به تدبیر و سرپرستی این امور می‌پردازد (همان، ص ۱۸۱).	تأکید بر نقش عالمان شیعه، بالاخص ولایت فقیه به‌عنوان نائب امام زمان

جدول (۳): نکات کلیدی Pi و کدهای آن

نشانگر	نکات کلیدی	کد
P1	تصویری که در روش تصویرپردازی بصیرت‌بخش و مدل افق جهانی توسط آینده‌نگر طراحی می‌شود، بایستی بر مبنای الهی بوده و قابلیت مقابله با موج فزاینده تصویرالقایی غرب را داشته باشد (همان، ص ۲۳۰).	توجه به مبانی الهی اسلامی
P2	از مهم‌ترین آثار ظهور امام زمان، ارتقاء فکری مردم است که در شهر عدل مهدوی از جایگاه خاصی برخوردار خواهد بود (همان، ص ۲۳۱).	جایگاه و ارزش مردم در شهر عدل مهدوی
P3	در این مدل، کلیه منابع اسلامی یعنی کتاب، عقل، سنت و حتی اجماع با تعاریف خاص هر یک به‌عنوان اصلی‌ترین منابع طراحی و تصمیم‌گیری لحاظ شده و می‌شود (همان).	تأکید بر منابع اسلامی و اتمه اطهار
P4	نوع الگوبرداری که در این مدل لحاظ خواهد شد با توجه به مبانی، فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و میزان تطابق با مبانی اسلامی و انجام تغییرات لازم است و ملاک عمل صرفاً ظاهرسازی اسلامی نیست (همان، ص ۲۳۲).	توجه به مبانی و تمدن اسلامی
P5	از آنجایی که، این مدل در چارچوب فرهنگ اسلامی تدوین شده و رشد و نمو می‌یابد، شبیه تمامی امور دیگر در این تفکر، وظیفه تصمیم‌گیر انجام تکلیف است. در حقیقت، آنچه در این مدل حتی از میزان موفقیت ظاهری نیز مهمتر است، میزان شناخت تکلیف و انجام آن است (همان، ص ۲۳۴).	تکلیف‌گرایی در فرهنگ اسلامی
P6	تفکر مهدویت، علاوه بر آنکه به‌عنوان یکی از فرض‌های اساسی مدل در نظر گرفته می‌شود، به‌عنوان اولین مولفه مدل نیز معرفی می‌گردد (همان، ص ۲۳۶).	تفکر مهدویت
P7	در تصمیم‌گیری نباید فقط نظرات، انتظارات، نیازهای و منافع خواص جامعه بدون در نظر گرفتن عوام مردم ملاک عمل باشد. بنابراین، در این مدل جهت طراحی، عرضه و استقرار در سطح جهانی، اهتمام به خواص و عوام جامعه توأمان صورت می‌گیرد (همان، ص ۲۳۴ و ۲۳۳).	توجه به خواص و عوام و تأکید بر نقش عوام
P8	رهبری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های این مدل، به علت مسئله خطیر نیابت از امام زمان؛ جایگاه ویژه‌ای دارد (همان، ص ۲۳۷).	نقش رهبر به‌عنوان نائب امام زمان
P9	در این مدل، عملاً آینده‌نگری الهی به‌صورت کاملاً عملیاتی در سیر تصمیم‌گیری لحاظ می‌شود (همان، ص ۲۳۹).	آینده‌نگری الهی
P10	تصمیم‌گیری در مدل، افق جهانی در بستر اراده الهی صورت می‌گیرد (همان، ص ۲۴۰).	نقش اراده الهی در تصمیم‌گیری
P11	مدل افق جهانی در بستر آینده‌نگری الهی و با استفاده از تصویرپردازی طراحی شده است (همان، ص ۱۲۱ و ۱۲۵).	آینده‌نگری الهی
P12	سیاست‌ها و استراتژی‌ها در واقع، راهنمای اصلی تصمیمات در سطوح پایین‌تر هستند که بر مبنای چشم‌انداز، منطبق و فرض حاکم بر مدل در نظر گرفته می‌شود که رهبری آن را تعیین می‌کند (همان، ص ۲۳۸).	جایگاه رهبری در تعیین سیاست‌ها و استراتژی‌ها
P13	در بستر الهی، آینده‌نگری بر پایه علوم الهی و معرفت دینی در تمام حوزه‌های مربوط ممکن است (همان، ص ۱۱۲).	نقش علم الهی و معرفت دینی در آینده‌نگری الهی
P14	روش‌شناسی در آینده‌نگری الهی بر معرفت الهی مبتنی است و علمی خاص که در حوزه دین، نزد معصومان <small>علیهم‌السلام</small> و به اذن خدایی انجام می‌شود (همان، ص ۱۲۱).	نقش معرفت الهی در آینده‌نگری الهی
P15	در آینده‌نگری الهی، آینده‌نگر یا خداوند است مانند آینده‌نگری‌های قرآن کریم، یا منتسب به خداوند مانند پیامبران، امامان و مردان الهی (همان).	آینده‌نگری الهی و منابع اسلامی
P16	در پایان جهان نیز حکومت صالحان و استقرار عدل جزو ارکان اصلی تفکر مهدویت برشمرده می‌شود (همان، ص ۱۷۹).	نقش عدل در تفکر مهدویت
P17	کل نظام و تفکر مهدویت در بستر مشیت الهی انسجام، قوام و تحلیل خواهد شد. در حقیقت، در این تفکر ذات پروردگار در عین وجود اختیار برای انسان، دارای قدرت تأثیرگذاری بوده و سنن الهی چون بداء، ابتلاء و... در حیات بشری وجود دارند (همان، ص ۱۸۳).	ذات پروردگار، محور و بنیان تفکر مهدویت
P18	پایه‌های تفکر مهدویت بر اساس مباحث اساسی کلامی، فلسفی، اعتقادی، قرآنی، اصولی و فقهی می‌باشد (همان، ص ۱۸۲).	تأکید به منابع اسلامی در تفکر مهدویت
P19	وجود مبارک امام عصر محور و اساس تفکر مهدویت است و تمامی اجزای دیگر حول وی در تعاملند (همان، ص ۱۸۳).	امامت محور تفکر مهدویت

P20	جهانی‌شدن مهدوی به دنبال گسترش عدالت جهانی است (همان، ص ۲۲۲).	عدالت جهانی در تفکر مهدویت
P21	در تفکر مهدویت امام زمان در قلب آن بوده و مرکز توجهات است (همان، ص ۲۳۶).	امام زمان قلب تفکر مهدویت
P22	با توجه به نظریه مبنایی ولایت فقیه، که در آن ولی فقیه نائب امام زمان است، علی‌القاعده تقوا، علم، زهد و اجتهادش باعث می‌شود رعایت نظرات، معیارها و دغدغه‌هایش برای نیل به جامعه موعود لازم‌الاجرا باشد (همان، ص ۲۳۷).	نفوذ ولایت فقیه در جهت‌گیری‌ها
P23	در تفکر مهدویت بحث ولایت، جامعه منتظران و معرفت دینی مورد اهتمام ویژه است (همان، ص ۲۳۶).	تأکید بر ولایت، منتظران و معرفت دینی در تفکر مهدویت
P24	مدل افق جهانی بخشی از فعالیت‌های مطوف به مطالعات اسلامی و یا به تعبیری مدیریت اسلامی است (همان، ص ۷۷).	مطالعات اسلامی
P25	مدیریت اسلامی، مدیریتی است که زمینه رشد انسان به سوی الله را فراهم می‌نماید و مطابق با کتاب، سنت و سیره و روش پیامبر ﷺ و امامان معصومین ﷺ و علوم و فنون و تجارب بشری جهت رسیدن به اهداف یک نظام در ابعاد مختلف همانند یک محور، مدار و قطب عمل کند (همان، ص ۸۲).	جایگاه الله و نقش معصومین در مدیریت اسلامی و تکامل انسانی
P26	مدیریت اسلامی، مدیریتی است که متأثر از ارزش‌ها و باورهای اسلامی است و سعی در تعالی روح انسانی از طریق ارتقا سطح زندگی و نیل به اهداف فردی در راستای اهداف الهی دارد (همان).	تعالی روحی انسان در مدیریت و ارزش‌های اسلامی
P27	مدیریت اسلامی، شیوه به‌کارگیری منابع انسانی و امکانات مادی، برگرفته از آموزه‌های اسلامی برای نیل به اهدافی است که متأثر از نظام ارزشی اسلام می‌باشد (آقایروژ، ۱۳۸۵، ص ۱۱).	نقش آموزه‌های اسلامی در مدیریت اسلامی
P28	هدف از مدیریت اسلامی، حرکت به سوی الله است (گودرزی، ۱۳۸۶، ص ۸۲).	الله مقصد مدیریت اسلامی
P29	ملاک ارزش‌گذاری مدیریت اسلامی، موازین شرعی است (همان).	نقش موازین شرعی در مدیریت اسلامی
P30	بستر اساسی رویکرد مدیریت اسلامی، که منتهی به طراحی مدل افق جهانی می‌گردد، تمدن اسلامی می‌باشد (همان، ص ۸۶).	تمدن اسلامی
P31	منابع تحقیق در مدیریت اسلامی؛ قرآن، احادیث ذیل آیات، سیره نظری و عملی معصومین ﷺ، تفاسیر معتبر و معجم‌های قرآن و حدیث می‌باشد (نقی پورفر، ۱۳۸۳، ص ۵۵ و ۵۶).	مدیریت اسلامی مبتنی بر منابع دینی و سیره معصومان
P32	ارزش‌های اجتماعی، که در اسلام مطرح است، به‌طور کلی به دو بخش تقسیم می‌گردند: یکی رابطه عدل و قسط و دیگری رابطه احسان (به انسان‌ها) می‌باشد. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰). اصل سوم، ارزش‌های عامی است که در روابط هر انسان با انسانی دیگر و در زندگی اجتماعی وجود دارد و دو اصل عدالت و احسان باید تنظیم‌کننده آن باشند (مصباح، ۱۳۷۵ ب).	جایگاه عدالت و احسان به مردم در منابع اسلامی
P33	در مورد هدف نظام اسلامی نیز باید گفت: اسلام برای مردم زندگی راحت، رفاه، آسایش، عدالت و احسان می‌خواهد. اما هدف دیگری نیز دارد و می‌خواهد بدین‌وسیله، انسان به کمال بیشتری دست یابد و این هدف بر همه ارزش‌ها سایه می‌افکند و همه ارزش‌ها در این قالب محدود می‌شود (همان، ص ۲۰).	توجه به مردم و تأمین عدالت و تأکید بر کمال انسان در منابع دینی و ارزشی
P34	خروجی نظام ارزشی اسلام در نظام اجتماعی، کمال انسان است (پوریانی، ۱۳۸۷).	کمال‌گرایی در نظام ارزشی اسلام
P35	ما از دیدگاه اسلام یک ارزش مطلق داریم و آن خداپرستی و به تعبیر ساده‌تر تقواست. سایر ارزش‌ها مقتدی، نسبی و وسیله‌ای‌اند (مصباح، ۱۳۷۵ ب).	نقش اساسی خداپرستی

تفکر مهدویت، نقش رهبری یا ولی فقیه در تفکر مهدویت و... از Kها و جایگاه و ارزش مردم در شهر عدل مهدوی، تفکر مهدویت، نقش عدل در تفکر مهدویت و... از Pها، که مشخصه مشترک آنها تفکر مهدویت و امام زمان عجل‌تعالیه می‌باشد و این مفهوم نخستین مفهومی است که از درون داده‌ها ظهور پیدا می‌کند.

مفاهیم «تفکر الهی و منابع اسلامی»، «عدالت‌گرایی»، «جایگاه معصومان و ائمه اطهار»، «جایگاه معصومان و ائمه اطهار»، «مدیریت اسلامی»، «ولایت فقیه و رهبری»، «تعالی انسان و کمال وی»، «توجه به مردم و توان ادراکی و ظرفیت آنها»، «تمدن اسلامی» و «آینده‌نگری الهی» نیز بدین صورت به دست می‌آیند.

فرایند مقایسه کدها در هر دو Pi و Ki با یکدیگر، به شکل‌گیری مفاهیم از کدها منجر می‌شود که این مفاهیم در جدول (۴) آورده شده‌اند.

جدول (۴): شکل‌گیری مفاهیم از کدها

ردیف	مفاهیم (قضیه‌ها)	نشانه‌ها
۱	تفکر الهی و منابع اسلامی	K8- K9 P1- P3- P4- P5- P10- P15- P17- P18- P23- P25- P26- P27- P28- P29- P31- P32- P33- P34- P35
۲	تفکر مهدویت و امام زمان	K1- K2- K3- K9- K13- K14 P2- P6- P16- P17- P18- P19- P20- P21- P23
۳	عدالت‌گرایی	K5- K6- K7- K11- K12- K14 P2- P16- P20- P32- P33
۴	جایگاه معصومان و ائمه اطهار <small>علیهم‌السلام</small>	P3- P14- P15- P25- P31
۵	مدیریت اسلامی	P24- P25- P26- P27- P28- P29- P31
۶	ولایت فقیه و رهبری	K9- K15 P8- P12- P22- P23
۷	تعالی انسان و کمال وی	K7- K12 P25- P26- P33- P34
۸	توجه به مردم و توان ادراکی و ظرفیت آنها	K9- K10- K12 P2- P7- P23- P32- P33
۹	تمدن اسلامی	K9- K11 P4- P30
۱۰	آینده‌نگری الهی	K4 P9- P11- P13- P14- P15

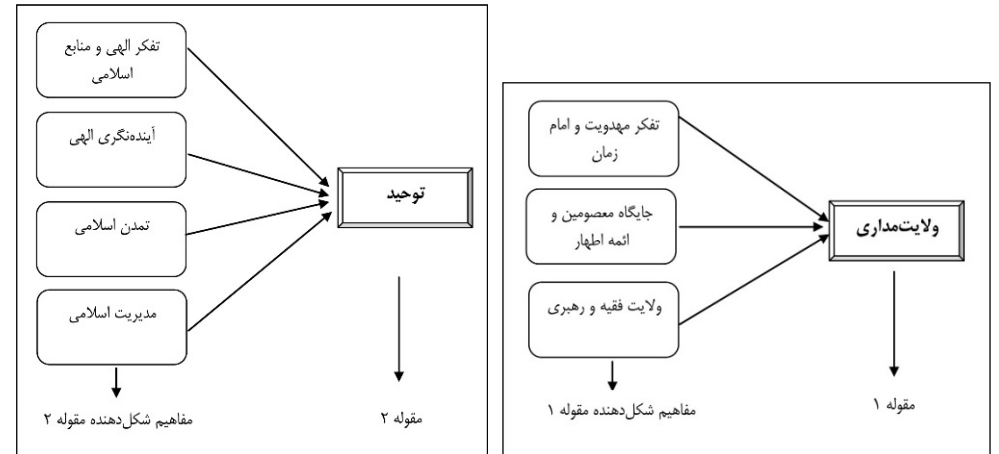
- شکل‌گیری مقوله‌ها

در مرحله بعد، از طریق مقایسه هر مفهوم با مفاهیم دیگر، محورهای مشترک دیگری یافت می‌شود که عنوان «مقوله» به خود می‌گیرد. گلاسر و استراوس (Glaser, Strauss, 1967)، این شیوه مستمر مقایسه مفاهیم با یکدیگر را «شیوه تطبیقی مستمر» نامیدند. با به‌کارگیری فن مقایسه مستمر، مقوله «ولایت‌مداری» از مفاهیم «تفکر مهدویت و امام زمان»، «جایگاه معصومان و ائمه اطهار» و

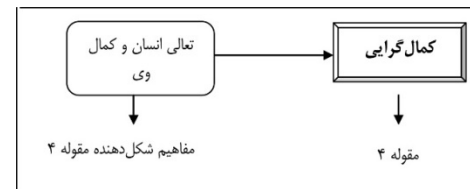
- شکل‌گیری مفاهیم

کد «تفکر مهدویت» یا نشانگر K1، اولین کدی است که به‌طور مستقیم در متون یادشده به مبانی اشاره داشته است. همه کدهای نکات کلیدی دیگر، با این کد مقایسه می‌شوند تا مشخص شود آیا کدهای مشابه با آن وجود دارند یا خیر. کدهای زیر دارای نقطه مشترکند:

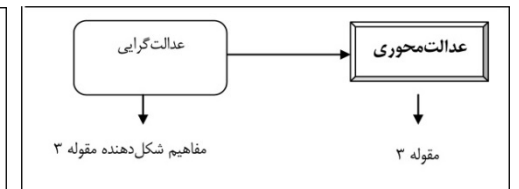
«ولایت فقیه و رهبری» یافت شد. بدین ترتیب، همه مفاهیم در پنج مقوله کلی که نشان‌دهنده، مبانی مدل مورد بررسی می‌باشند، دسته‌بندی گردید که در اشکال (۸-۱۲) آمده است.



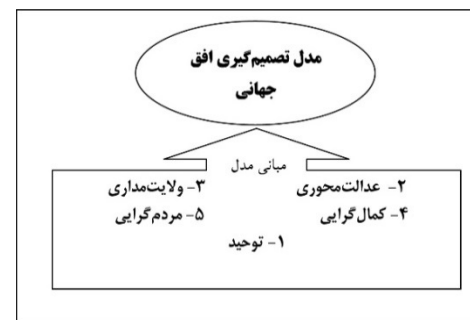
شکل (۸): نمود مقوله «ولایت مداری»



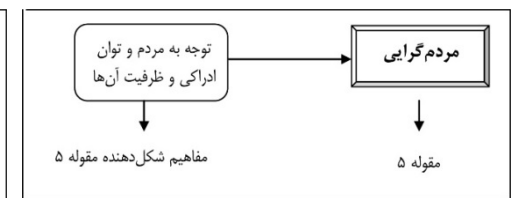
شکل (۹): نمود مقوله «توحید»



شکل (۱۰): نمود مقوله «عدالت محوری»



شکل (۱۱): نمود مقوله «کمال‌گرایی»



شکل (۱۲): نمود مقوله «مردم‌گرایی»

شکل (۱۳): مبانی مدل افق جهانی

همان‌طور که گذشت، تصمیم‌گیری در مدیریت نقش به‌سزایی دارد. اهمیت آن هنگامی که به نقش فرهنگ و اعتقادات توجه شود، مضاعف می‌گردد. بر این اساس، در این تحقیق سعی شد مبانی مدل تصمیم‌گیری استراتژیک افق جهانی احصا گردد. این مبانی را می‌توان به‌صورت شکل (۱۳) نشان داد.

نتیجه‌گیری

این مقاله، به بررسی مبانی مدل تصمیم‌گیری افق جهانی پرداخته است. در این مقاله، به دلیل آنکه از استراتژی تئوری داده - بنیاد استفاده شده است، مدل مفهومی و فرضیه تدوین نشد و بر اساس الزامات این استراتژی، سؤال اصلی تحقیق، «مبانی مدل تصمیم‌گیری افق جهانی چیست؟» مطرح شد. در این تحقیق، هم‌زمان با تحلیل محتوای کتاب *تصمیم‌گیری استراتژیک*، به بررسی بستر فکری اجتماعی مدل موردنظر با عنوان «مدیریت اسلامی» پرداخته شد. علاوه بر این در مرحله کدگذاری باز، از استراتژی تئوری داده - بنیاد برای استخراج مبانی مدل تصمیم‌گیری افق جهانی استفاده شده است.

در این تحقیق، در مجموع ۱۵ نکته کلیدی از نوع K و ۳۵ نکته کلیدی از نوع P استخراج گردید که با مقایسه آنها با یکدیگر، ده مفهوم به‌دست آمد. از این مفاهیم، مقوله‌های توحید، ولایت‌مداری، عدالت‌محوری، کمال‌گرایی و مردم‌محوری استخراج شدند. با بررسی این مقوله‌ها و تعیین توحید به‌عنوان مقوله اصلی، مبانی این مدل در شکل (۱۳) مطرح شد.

با توجه به نتایج تحقیق، می‌توان در حوزه نظری و عملی پیشنهاداتی به‌صورت زیر بیان نمود: با در نظر گرفتن جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی در شکل‌دهی به تمدن آینده بشری از یک‌سو، و تأکیدات رهبر معظم انقلاب بر نهضت نرم‌افزاری تولید علم، بر دانش‌پژوهان حوزه علوم انسانی است که از این منظر به فعالیت‌های علمی خود نگرسته و با انجام وظیفه خود در بالندگی آن، مبتنی بر مبانی دینی کوشا باشند.

با توجه به ارتباط بین فرهنگ جوامع و به‌طور کلی، بینش‌ها و گرایش‌های آنها با شیوه عمل و تحقق اهداف و آرمان‌های آنها و اینکه برای تحقق کامل اهداف، باید عمل و رفتاری مبتنی بر همان بینش و گرایش وجود داشته باشد، توجه هرچه بیشتر و عمیق‌تر مدیران جامعه در سطوح مختلف، به چگونگی تصمیم‌گیری‌های خود و رعایت احتیاط در استفاده از مدل‌های غیربومی و وارداتی و نیز حرکت به سمت استفاده از مدل‌های بومی و اسلامی را می‌طلبد. باید در این مسیر، نوعی خودباوری و اعتماد به نفس ملی ایجاد شود که توجه به مبانی مدل‌های بومی و نتایج حاصل از به‌کارگیری آنها در ایجاد چنین خودباوری مؤثر خواهد بود.

منابع

- آقایروز، علی، و دیگران (۱۳۸۵)، مدیریت در اسلام، چ چهارم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- الوانی، مهدی (۱۳۸۵)، مدیریت عمومی، چ بیست و ششم، تهران، نشر نی
- باقریان، محمد، و دیگران (۱۳۸۰)، تصمیم‌گیری حکیمانه، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- پورعزت، علی‌اصغر، الوانی، مهدی، «مبانی منطقی طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت حق‌مدار بر اساس نهج‌البلاغه» (۱۳۸۳)، دانشور رفتار، ش ۵، ص ۱۱-۳۸
- پوریانی، محمدحسین، «تحلیل جامعه‌شناختی نظام ارزشی دین اسلام» (۱۳۸۷)، علوم انسانی، ش ۱۲، ص ۵۶-۷۴.
- تسلیمی، محمدسعید (۱۳۷۸)، تحلیل فرآیندی خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری، تهران، سمت.
- دانایی‌فرد، حسن، و نونا مومنی، «تئوری رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی استراتژی تئوری داده‌بنیاد متنی» (پاییز ۱۳۸۷)، مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۱۴، ص ۷۵-۱۱۰.
- دانایی‌فرد، حسن، و ابودر زنگویی نژاد، «تئوری شایسته‌سالاری مدیریتی بر مبنای استراتژی تئوری داده‌بنیاد: برداشتی از نهج‌البلاغه» (تیر ۱۳۹۰)، دانشور رفتار، ش ۱-۴۷، ص ۲۴۳-۲۶۴.
- دسلر (۱۳۶۷)، مبانی مدیریت، داود مدنی، چ ۲، تهران، پیشبرد.
- رضاییان، علی (۱۳۸۵)، مبانی سازمان و مدیریت، چاپ هشتم، تهران، سمت.
- رحمان سرشت، حسین، و مهدی محمدی نسب، «الگوی تصمیم‌گیری راهبردی در رویکرد اسلامی» (بهار ۱۳۸۹)، مطالعات دفاعی-استراتژیک، ش ۳۹.
- سبزیان موسی‌آبادی، علیرضا (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، پایان‌نامه دکتری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صالحی صدیقیانی، جمشید، و محمود محمدیانی، «نگاهی کوتاه بر مدل‌های تصمیم‌گیری در مدیریت» (۱۳۷۸)، حسابدار، ش ۱۳۵، ص ۵۱-۵۳.
- علوی، علی، «درآمدی بر تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی بر تصمیم‌گیری» (۱۳۸۶)، اندیشه مدیریت، ش ۱، ص ۳۵-۵۸.
- فروتی، زهرا (۱۳۸۷)، مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک امام خمینی (ره)، تهران، پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران، سمت.
- گودرزی، غلامرضا، «مقایسه مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک در شهر عدل مهدوی و تمدن غرب» (۱۳۸۳)، در: مجموعه مقالات همایش گفتمان مهدویت، قم
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۶)، تصمیم‌گیری استراتژیک مطالعه موردی رویکرد موعودگرای شیعه، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ماندگار، محمد مهدی (۱۳۸۱)، خط‌مشی‌های سیاسی نهج‌البلاغه، قم، بوستان کتاب.
- مردمی، ابوالقاسم، «تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی ۱» (۱۳۷۳)، مصباح، شماره ۱۲، ص ۱۵۲-۱۳۹.
- مصباح، محمدتقی، «مدیریت اسلامی و نظام ارزشی» (۱۳۷۵ الف)، مصباح، ش ۱۹، ص ۸-۸.
- _____، «ارزش‌های اسلامی در مدیریت» (۱۳۷۵ ب)، معرفت، ش ۱۷، ص ۱۷-۲۲.
- _____، «مدیریت اسلامی» (۱۳۷۹)، در: مجموعه مقالات نشریه مدیریت دولتی، ش ۱۸ و ۱۹.

نقی‌پورفر، ولی‌الله (۱۳۸۳)، اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، چ نوزدهم، تهران.

Glaser. B, Strauss. A, the Discovery of Grounded Theory, Aldine publishing Co, Chicago, il, 1967.

Simon, H. A. (1979). Rational Decision Making in Business Organization. American Economic Review, Vol 69, P: 493-

513.

Simon. H. A.(1976) Administrative Behavior, Macmillan, New York,